

## اتحاد عمل با عامل و مراتب آن

یکی از مهم‌ترین مسایل قرآنی، مسئله اتحاد انسان با عمل خویش است که در آیات بسیاری به اشکال گوناگون مطرح شده است. خدا می‌فرماید: **كُلِّ قَوْلٍ يَعْمَلُ عَلَيِّ شَالِكَةٌ**؛ بگو: هر کسی بر اساس شخصیت و شاکله خود عمل می‌کند.(سراء، آیه ۴۸)

همچنین می‌فرماید: **يَوْمَ تَجِدُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّخَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهَا أَمَدًا يَبِينُهَا**؛ روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند کاش میان او و آن کارهای بد فاصله‌ای دور بود.(ال عمران، آیه ۳۰)

یا می‌فرماید: **وَجُودُوا مَّا عَمِلُوا خَاصِرًا**؛ و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند.(کهف، آیه ۴۹)

این حضور هرگز بیرونی نیست، بلکه حضور درونی است؛ یعنی هر چیزی از عقاید و اعمال، جزو ذات شخص و شخصیت او می‌شود. پس وقتی عمل بلا می‌رود، این شخص و شخصیت است که بالا می‌رود و رفعت می‌یابد و وقتی سقوط می‌کند، این شخص و شخصیت است که سقوط می‌کند.

البته اتحاد هر کسی با اعمال خویش در یک مرتبه و درجه نیست، بلکه دارای مراتبی است که به سطح معرفتی، ادراکی و ملکه یا مفهوم شدن بر اساس تکرار عمل بستگی دارد. به سخن دیگر، اموری نقش کلیدی در ایجاد مراتب اتحاد دارد که شامل کیفیت معرفت و حتی کمیت عمل و تکرار آن دارد. پیش از اینکه این مطالب توضیح داده شود، باید اصولی مد نظر قرار گیرد که شامل موارد زیر است:

۱- امور معنوی دارای درجات و مراتب متعددی است. از همین رو، خدا در قرآن از درجات و مراتب اسلام، ایمان(حجرات، آیه ۱۴؛ مانده، آیه ۸۴)، تقوا(مانده، آیه ۸۳)، یقین(تاکثر، آیات ۵ و ۷؛ واقعه، آیه ۹۵) و مانند آنها سخن گفته است:

۲- انسان موجودی دارای کرامت ذاتی(تین، آیه ۴) و دربردارنده همه اسماء و صفات الهی(بقره، آیه ۳۱) با مقتضیات و ظرفیت متاله و خدایی شدن، مظهریت‌یابی تمام‌السان و صفات کامل اوست. او می‌تواند با عبادت، خود را به مراتبی برساند که مظهر خدا و ربوبیت او شود.(بقره، آیه ۱۳۸؛ آل عمران، آیه ۷۹)

۳- انسان به سبب وجوداراده و اختیار می‌تواند بر خلاف مسئولیت الهی خویش به جای عبادت تقوایی (ذاریات، آیه ۵۶؛ بقره، آیه ۲۱) و خلافت الهی(بقره، آیه ۳۱) در مسیر دیگری حرکت کند و الهامات تقوایی و فطوری و قدرت تشخیص حق و باطل، خوب و بد، نظرات الهی خویش را مدفون سازد و فتنیه چراغ فطرت را به سوی خاموشی تمام بکشد(شمس، آیات ۷ تا ۱۰) و به جای متاله و خدایی و خلیفه الهی شدن، آن را تباه سازد:

۴- اتحاد عمل و عامل یکی از مهم‌ترین اصول قرآنی است؛ در حقیقت همان‌طوری که عمل هر کسی بازتابی از شخصیت و شاکله وجودی اوست(ال عمران، آیه ۸۴) همچنین هر عملی به عنوان تاثیر متقابل، شخصیت و شاکله هر انسانی را می‌سازد. از همین رو انسان با عمل خویش روح و ریحان و بهشت می‌شود یا دوزخ و آتشی که دوزخیان مراتب دربر او در درکات دوزخ می‌سوزاند.(همزه، آیات ۶ و ۷)
۵- اتحاد عمل و عامل زمانی رخ می‌دهد که شخص نسبت به آن عمل در همان سطح خود معرفت و علم داشته باشد و آن را با تکرار نخست ملکه و سپس مقوم ذات خویش کند. لذا در آیات قرآن گاه در قالب فعل‌های ماضی از «تقوا!» یا «عملوا!» به معنای تقوا پیشه کرد و یا کاری را انجام داد، سخن به میان می‌آید؛ و گاه دیگر با فعل مضارع دلالت‌کننده بر استمرار چون «یتقون!» یا «عملون!» به معنای تقوا پیشه می‌کند و یا کاری را انجام می‌دهد، سخن به میان می‌آید؛ و گاه دیگر با عناوین اسمی به جای فعلی چون «صالحین» و «متقین» سخن گفته شده است؛ زیرا این مراتب اسمی بیانگر آن است که عناوینی مانند صلاح و تقوا جزو ملکه و مقوم ذات شخص شده است. از همین رو خدا صحت فعلی را به تقوا نسبت می‌دهد، ولی قبولی فعلی را از متقین یعنی دارنده اسمی نسبت می‌دهد که آن امور ملکه و مقوم آنان شده است.(مانده، آیه ۲۷) پس انسان برای رسیدن به مرتبت اتحاد باید دربره آن موضوع شناخته شود با تکرار آن را جزو ملکه و مقوم ذات خویش درآورد. مرتب ملکه در آیات قرآن با عنوان «صیغه» مطرح شده که به معنای رنگی شدن و رنگ گرفتن است.(بقره، آیه ۱۷۸) اما مرتبت مقوم با عنوان «قوامین» بیان شده است.(مانده، آیه ۸۱) البته کسی که رنگ گرفته به طور طبیعی آثار قوامیت در ذات او دارد(اشاره)؛ زیرا ویژگی بارزایی است که این امور است و جوهر شخص رنگ مثلا خدایی گرفته که آثار آن در رفتار و گفتار خودنمایی می‌کند. خدا از انسان‌ها می‌خواهد در بسیاری از امور چون قسط و نماز و مانند آنها با تکرار عمل و کیفیت بخشی به معرفت و عمل خویش آن را مقوم ذات کنند و با اقامه آنها اتحاد در مراتب عالی و برتر را تجربه کنند.(بقره، آیه ۱۱۰؛ مانده، آیه ۸؛ حدید، آیه ۲۵)

البته در اینجا اصول دیگری نیز مطرح است، ولی برای بیان مقصود به همین میزان بسند می‌شود. با توجه به این اصول می‌توان دریافت که اتحاد انسان با عملی خود کار خدا با علم یا با عمل، اتحادی در یک درجه و مرتبه نیست، بلکه اگر ذاکر خدا تنها در مرتبه حسنی و زبانی به ذکر اشتغال داشته باشد، این اتحاد میان ذکر و ذاکر و مذکور در همان سطح و مرتبت حسنی است و از آن فراتر نمی‌رود؛ به سخن دیگر، کسی که گرفتار ملک است و از نظر معرفتی از آن تجاوز نکرده و به عملی دیگر بخت چون ملکوت ایمان ندارد، نمی‌تواند ذاکر ذکری مذکور باشد که در مرتبت غیب ملکوتی است. از همین رو خدا درباره بلعم باعورا می‌فرماید : **وَلَوْ سِئِنَّا لَرَغْنَا بِنَهَا وَلَئِنَّا لَأَخَذُ لِي الْأَرْضِ وَأَتَيْنَعُ هَوَاهُ؛** و اگر ما می‌خواستیم ملکوت اشتیم هر اینکه او را رفعت می‌دادیم و با او می‌پردیم به سبب مشیت آیات ما، ولی او خلود به سوی زمین یافت و از هوهای نفسانی بی‌خبری کرد.(اعراف، آیه ۱۷۵)

پس هر کسی بر اساس معرفت خویش مراتب اتحاد با عمل را به دست می‌آورد. البته این اتحاد در هر مرتبه ملکی و ملکوتی آثار خود را دارا است.

پس وقتی سخن از اتحاد عمل و عامل است، مراد آن است که آن چیزی که عمل شده و فعل آدمی یعنی مفعول است، جزو ذات انسان می‌شود. به عبارت دیگر سخن از اتحاد فعل و فاعل و مفعول یا ذکمر و ذاکر و مذکور یا عقل و قافل و معقول یا مانند آنها به معنای آن است که مفعول و مذکور با ذات انسانی یکی می‌شود. بنابراین، هر ذکری در هر مرتبت معرفتی و میزان معرفت و کیفیت آن با مرتبت دیگر متفاوت است. پس نباید از کسی که در مرتبت معرفتی پایین است انتظار داشت؛ از ذکر همان اندازه بهره برد که شخص در مراتب عالی از آن بهره مند است. پس سخن در دو «بسمله» یعنی بسم‌الله الرحمن الرحیم بگنجد، ولی ممکن است سخن کجا و بسمه یعلی‌الله کجا؟! ولی الهی الهی و بسمه خویش بسز آب راه می‌رود و «کن فیکون» می‌کند و بیمار شفا می‌دهد و مرده زنده می‌کند، در حالی که بسمله ملکی زبانی، تنها تاثیر ملکی دارد یا بسمله کسی که در مرتبت ملکوتی برزی می‌کند همان اندازه برزی از ملکوت تاثیر می‌گذارد، به ملکوتی در علم جبروت یا دیگر عوالم.

به هر حال، اتحاد ذکر و ذاکر و مذکور در همه مراتب تحقق می‌یابد، با این تفاوت که برای هر یک از آنها در همان سطح مرتب معرفتی و اتحاد ملکه ای با مقومی تاثیر و آثار استند نه کمتر یا بیشتر. پس ذاکر، تکبیر، تحمید و تسبیح و ذاکر ملکی با ذاکر ملکوتی برزی می‌شود، تا هر ملکوتی جبروتی قوت بسیار دارد. بنابراین نباید انتظار مشابه و همانندی میان ذاکران مراتب ملکی و ملکه‌ای مقومی داشت؛ چنانکه ده‌های هر یک نیز در اجابت یکسان نیست.

در مطلب حاضر نویسنده با بررسی چرایی اهمیت اقتصاد، به تشریح عوامل و راه‌های رشد و شکوفایی اقتصادی براساس آیات قرآن پر داخته است.

\*\*\*

### چرایی اهمیت رشد اقتصادی

از آنجا که رشد اقتصادی به معنای رسیدن به همه بایسته‌ها و شایسته‌ها در فعالیت‌ها و مسائل اقتصادی است، به طور طبیعی از نظر قرآن، این امر از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار خواهد بود؛ زیرا از نظر قرآن، اقتصاد مایه قوام اجتماع بوده و ستون اصلی آن تشکیل می‌دهد(نساء، آیه ۵) به طوری که فقدان آن به معنای آن است که مردم و اجتماع توان ایستادن نخواهند یافت و به فقر دچار شده و فروپاشی اجتماعی به سبب عدم تحقق فلسفه وجودی اجتماع را رقم می‌زند.(همان؛ آل عمران، آیه ۱۱۲؛ بقره، آیه ۶۱؛ ساء، آیات ۱۵ تا ۱۹)
از طرف دیگر، اهمیت مسائل اقتصادی و لزوم رشد و شکوفایی آن همین بس که امور اقتصادی و معیشتی مردم، دارای جایگاهی مهم در حدّ مسائل اعتقادی و عبادی‌درد(بقره، آیات ۳ و ۴۱ و ۴۲ و ۸۳ و ۱۷۷ و ۲۷۷؛ نساء، آیه ۳۹؛ انفال، آیات ۲ و ۳)؛ زیرا از نظر قرآن، تأمین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و بهرین از فساداتگیزی است(اعراف، آیه ۸۵، هود، آیات ۸۴ تا ۸۶) به طوری‌که همه پیامبران برای تأمین عدالت برانگیخته می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آنها عدالت در امور اقتصادی است (حدید، آیه ۲۵)

در این میان پیامبر مکرم و معظم اسلام (ص) مامور می‌شود تا در سطح پرت وارد عمل شده و در مقام مکارم اخلاقی مردمان را به جایگاهی از عدالت‌خواهی برساند که همه هستی و هویت وجودی آنان قسط‌خواهی و سهم‌خواهی باشد؛ زیرا خدا قسط‌خواهی را به عنوان مقوم و مولفه اصلی ذاتی مومنان قرار داده و می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْبَأْشِيَةِ؛** ای کسانی که ایمان آورده اید! برای خدا به عدالت بسیار یا استواری برخیزید و به عدالت شهادت دهید.(مانده، آیه ۸)

در جایی دیگر نیز می‌فرماید: **كسانی که ایمان آورده اید!** بپوسته و استوار به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا به زیان پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد. اگر یکی از دو طرف دعوا ناوگر را نیازمند باشد، باز خدا به آن دو از شما سزاوارتر است. پس از بی هوس نروید که در نتیجه از حق عدول کنید؛ و اگر به انحراف گرایید بی‌اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (نعام، آیه ۱۳۵)

تاکید بر واژه «قوامین» که از ریشه قوام و قیام است، به این معنا است

## رشد کامل اقتصادی زمانی در خانواده یا شریعت محوری و ایمان و تقوا به سطح عالی برسد و افراد اجتماع در دین اسلام به چنان استواری و استقامت دست یابند که چیزی آنان را از این حرکت اصیل و اصلی دور نسازد و به تردید و شک نیفتند.

## عوامل رشد اقتصادی از منظر قرآن

که نه تنها باید قیام به عدالت برای مومنان، ملکه شود، بلکه مقوم ذات و هویت ایمانی آنان شده باشد تا بتوانند همواره و استوار برای دفاع از سهم خدایتند؛ و بدین‌گونه هیچ ملاحظاتی قیام کنند و به دفاع از مظلومان و مستضعفان عالم برخیزند.(نساء، آیه ۱۰۹؛ حدید، آیه ۲۵)

با نگاهی به آموزه‌های قرآن و گزارش‌های تاریخی و تحلیل و تعلیل‌های آن می‌توان به سادگی دریافت که اقتصاد در کنار مسائل عبادی محض و دعوت به توحید و یکتاپرستی قرار داشته است و پیامبران برای اصلاح مسائل اقتصادی و تصحیح رفتارها در فعالیت‌های اقتصادی نقش اساسی و کلیدی داشته‌اند و به عنوان بهرکس اجتماع به این امور وارد شده و با همه خطراتی از جمله قتل و تبعید و شکنجه اقدام به اصلاح در حد استطاعت و توان خویش داشتند.(هود، آیه ۹۱) به عنوان نمونه غیر از حضرت یوسف(ع) که مدیریت و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اجتماع مصر را به دست گرفت (یوسف، آیات ۴۵ تا ۵۵)، در صدر روابط اقتصادی جامعه مدین، هم‌ای مسائل اعتقادی و عبادی، در صدر آموزه‌های شعیب (ع) قرار داشته است.(اعراف، آیه ۱۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۷، شعراء، آیات ۱۷۷ تا ۱۸۳) آن حضرت (ع) در این باره می‌فرماید: **گفت: ای قوم من!** ببندهشید اگر از جانب پروردگارم لیبیل روشنی داشته باشم و او دست پرارم؛ و دست خود روزی نیکویی به من داده باشد، ای باز هم از پرستش او دست بردارم؛ من نمی‌خواهم در آنچه خدا تا به عنوان خلیفانه می‌دارم با شما مخالفت کنم و خود مرتکب آن شوم من قصدی جز اصلاح جامعه تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به یاری خدا نیست. بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی‌گردم. (هود، آیه ۸۸)

به هر حال، از نظر آموزه‌های قرآن، اقتصاد در اجتماع چنان از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که در کنار مسائل محض عبادی و اصول دین چون یکتاپرستی و معادورایی و رسالت مطرح شده و خدا در کنار نماز از مردم می‌فرماید: **اتقوا** تا اتفاق کنند و زکات بدهند. (بقره، آیه ۳)
بر همین اساس، همان‌گونه که خدا در مسائل عبادی و معنوی محض، خواهان آن است تا انسان به جایی برسد که خدایی و متاله شده(بقره، آیه ۱۷۸) و در مقام مظهریت ربوبیت قرار گیرد و ربانی شود(ال عمران، آیه ۷۹). همچنین در مسائل اقتصادی از مردم می‌خواهد تا به عنوان خلیفانه(به ابیانی زمین پرداخته و به فعالیت‌های اقتصادی و تولید و تغییر و تبدیل توجه ویژه‌ای داشته باشند)(بقره، آیه ۶۱) و تلاش کنند تا اقتصاد اجتماع به بلوغ و رشد بایستد و شایسته خویش باشد. از همین رو مومنان را کسانیی می‌داند که از خدا حسنه دین و حسنه اخلاق را می‌خواهند که بی‌گمان آسایش در سایه رشد و شکوفایی اقتصادی از جمله آنها است.

## از نظر قرآن، هر گونه بذل و بخشش مادی و معنوی مانند آموزش علم و هنر و فن و حرفه، در قالب زکات علم ، یا زکات مال و صدقات و قرض‌الحسنه و مانند آنها، مهم‌ترین عامل رشد و شکوفایی اقتصادی است؛ زیرا در نظام اقتصادی اسلام هر مالی که در اختیار بشر است، مال الله است.

(بقره، آیه ۲۰۱)

اینکه خدا و پیامبران از مردم می‌خواستند تا استغفار کرده یا ایمان و تقوا پیشه گیرند تا به بهره‌مندی بیشتر از فضل الهی و برکات دست یابند(اعراف، آیه ۱۹۶؛ مانده، آیه ۶۶؛ هود، آیات ۳ و ۵۲؛ نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲) خود بهترین شاهد و دلیل قرآنی بر اهمیت و ارزش رشد اقتصادی در فرهنگ و آموزه‌های قرآن است.

خدا از مردم می‌خواهد تا برای رشد اقتصادی و رفاه خود در آن دعا کنند؛ از همین رو دعا کردن برای این امر از شایسته قرار داده است.(بقره، آیه ۲۰۱؛ نساء، آیه ۳۲؛ اعراف، آیه ۱۵۶) این خود گواه دیگر بر این است که رشد اقتصادی و تلاش برای آن به عنوان یک امر نیک مطلوب شریعت اسلام است. البته شریعت از این آیات می‌توان به این ۱۵ سوره اشاره کرد که می‌فرماید: **لَقَدْ كَانُ لِنَبِيِّنَا فِي مُسْتَكْبِهِمْ آيَةٌ خَتَّانَ غَنَ يَمِينِ وَشَمَالِ كَلِمَا مِن رَّبِّكَ يُرْوَىٰ وَشَكَرُوا لَهُ لَكَلَّةً طَبِيْعَةً وَرَبُّنَا غَفُوْرٌ قَلْبَعَا بِرِ مَرْدِمٍ سَبِيْرٍ مَعْلٍ سَكَوْتِشْشَانِ شَتَّانِهٖ رَحْمَتِي يَوَدُّ. دو بوستان از راست و چپ. به آنان گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید!ا شهوری است خوش و خدایی آمرزند.**

از این آیه به دست می‌آید که رشد و شکوفایی، امری مطلوب و نعمت‌الهی است که باید شکر گزار آن بود. بنابراین، تلاش و کوشش برای تحقق‌یابی به رشد و شکوفایی اقتصادی نیز مطلوب است.

البته قرآن به این نکته توجه می‌دهد که توسعه و بهره‌مندی اقتصادی ملازم با رشد اقتصادی و به معنای واقعی نیست؛ زیرا جوامع ممکن است به توسعه اقتصادی و بهره‌مندی از آن دست یابند، در حالی‌که بایسته‌ها و شایسته‌ها را مراعات نمی‌کنند یا نراک ناپایسته‌ها و ناشایسته‌ها بسینند؛

## معارف Maaref@Kayhan.ir

## از نظر آموزه‌های قرآن، اقتصاد در اجتماع چنان از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که در کنار مسائل محض عبادی و اصول دین چون یکتاپرستی و معادورایی و رسالت مطرح شده و خدا در کنار نماز از مردم می‌خواهد تا اتفاق کنند و زکات بدهند.

زیرا خدا گاه برای تنبیه و گاه از باب عدالت به جوامع انسانی، فراوانی نعمت و مال می‌دهد. پس دانشستن مال و نداشتن آن به معنای آکرام یا اهانت از سوی خدا نیست(فجر، آیات ۱۵ و ۱۶)، بلکه چنانکه خدا به‌صراحت در قرآن بیان کرده است، خدا گاهی برای آزمایش به شخص یا اجتماعی مال و ثروت می‌دهد تا ببیند چگونه عمل و رفتار می‌کنند(مان؛) چنانکه خدا گاهی دیگر به حکم عدالت با افراد و جوامعی که اعتقادی به قیامت ندارند، پاداش اعمال خیر و خوب آنان را در همین دنیا می‌دهد.

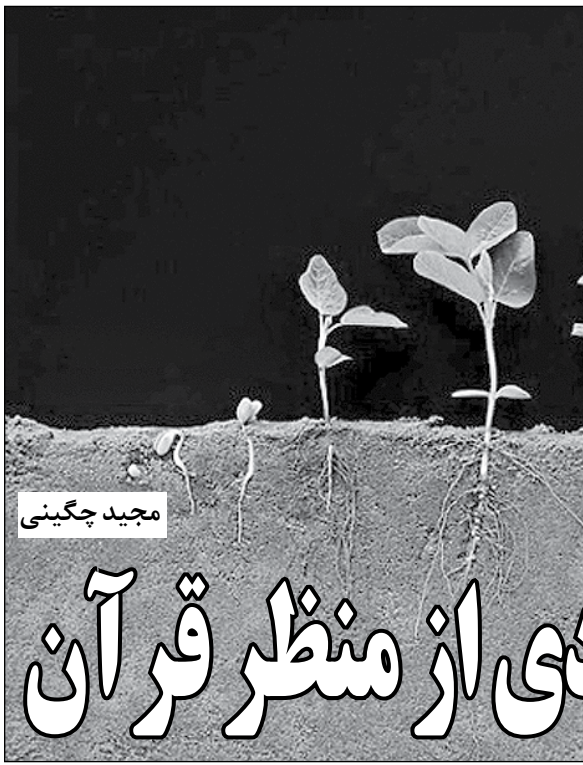
پس از نظر قرآن، بهره‌مندی و توسعه اقتصادی جوامع با حقیقت و معنویت آنان ملازم نیست(کهف، آیت ۳۲؛ زمر، آیت ۷۳ و ۷۴؛ مومنون، آیات ۵۵ و ۵۶؛ سبأ، آیات ۲۳ تا ۲۴ و ۲۳ تا ۲۴؛ آل عمران، آیات ۴۵ و ۴۵)

همین رو پیشرفت‌های اقتصادی جوامع کفرپیشه تأثیری در نجات‌بخشی آنان از نابودی نخواهد داشت.(نعام، آیه ۶؛ توبه، آیه ۶۹؛ مریم، آیات ۷۳ و ۷۴؛ قصص، آیه ۵۸؛ سباء، آیه ۴۵)

### عوامل رشد و شکوفایی اقتصادی

از آنجا که از منظر قرآن، عوامل رشد و شکوفایی اقتصادی محدود به فعالیت‌های مادی انسان یا امکانات مادی و ملکی صرف نیست، بلکه فعالیت‌های معنوی و ملکوتی انسان نیز نقش تعیین‌کننده دارد، بنابراین نمی‌توان عوامل را در امکانات مادی و ملکی محدود کرد. بر همین اساس عوامل رشد را می‌توان به دو دسته مادی و معنوی دسته‌بندی کرد. همچنین باید توجه داشت که برای تحقق رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی که مطلوب قرآن است، عواملی به عنوان بایسته‌ها و یا شایسته‌ها به عنوان مقتضی تام یا ناقص نقش دارد؛ چنانکه موانعی نیز وجود دارد که باید آنها را به عنوان مانع تام یا ناقص شناخت و مانع زدایی کرد. این مواقع نیز به عنوان ناپایسته‌ها و ناپایسته‌ها شناخته می‌شود و قرآن به آنها نیزاشاره کرده است.

به سخن دیگر، در تحقق رشد اقتصادی واقعی باید عوامل ممتضی



واجب و مستحب و نیز موانع محرم و مکروه را شناخت و بر اساس آن عمل کرد و برنامه‌ریزی درست ارائه داد و به کار گرفت. این عوامل و موانع از نظر قرآن عبارتند از:

۱- اهمیت: مهم‌ترین عامل در تحقق رشد اقتصادی و شکوفایی آن، وجود امنیت در اجتماع است؛ زیرا فقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرود سرمایه‌ها و بزه‌های منابع مدیصر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو، قرآن، امنیت و آرامش اجتماع – سیاسی را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد اقتصادی دانسته است.(بقره، آیه ۱۲۶؛ نحل، آیه ۱۱۲) خدا در آیات دیگر نیز به این نکته توجه می‌دهد که وجود امنیت فراگیر در همه حوزه‌ها، نعمت الهی است که خدا آن را منت می‌داند. چنانکه بر قریش امتنان گذاشته که با نابودی اصحاب قیل و ایجاد امنیت اقتصادی برای سفرهای بازرگانی آنان، زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی آن اجتماع را فراهم کرد.(قیل، آیات ۱ تا ۵؛ اعراف، آیات ۱ تا ۴)

۲- آرایش: از نظر قرآن، ایمان به غیب از جمله خدا و قیامت و اسباب غیبی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی است؛ زیرا اجتماعی از رشد واقعی اقتصادی بهره‌مند خواهد شد و همگان در یک سطح رفاهی ارمانی قرار می‌گیرند که عنصر ایمان در آن جامعه تقویت شده باشد. بی‌گمان مردم اجتماعی که در مراتب سه‌گانه ایمان به درجه ایمانی خود توجید فعل رسیده باشند، در رفتار، اهل تقوای اکرامی خواهند بود و با ایثارگری در همه ابعاد تلاش می‌کنند تا بهترین و شایسته‌ترین شرایط آسایش اقتصادی برای همگان فراهم آید. این گونه است که آنان از حقوق طبیعی خود می‌کاهدند و با ایثارگری، بیشتر وقت خویش را برای تولید و افزایش آن به کار می‌گیرند تا مردمان پیشترزی را تحت پوشش آسایش و رفاه قرار دهند. بنابراین، ایثارگری تنها محدود به دادن طعام و خوراک نیست، بلکه در ایجاد فعالیت‌های تولیدی اقتصادی و افزایش آن است. اینکه شخص از خواب و خوراک خود بزند و حقوق مسلم خویش را ایثار کند تا مردم در رفاه باشند، بیانگر ایمان و تقوای در مرتبه اکرامی و حق الیقینی است.(مانده، آیه ۹۳) تا حدی پس از بیان مراتب سه‌گانه ایمان و تقوا در این آیه، در آیه ۹۶ به این نکته توجه می‌دهد که چگونه ایمان می‌تواند موجب برکت الهی به اجتماع شود و شرایط رشد و شکوفایی اقتصادی آنان را فراهم آورد. در حقیقت این ایمان است که رفتار و کردار انسان‌ها و افراد اجتماع را به شکل مطلوبی تغییر می‌دهد و آنان را به سمت و سوی رشد و شکوفایی اقتصادی هدایت می‌کند؛ چنانکه رفتار و کردار و همین اهل ایمان در قالب رفتارهای عملی نیک و عبادی و دعا و نیایش و مانند آنها، نزول

## از نظر قرآن، هر گونه بذل و بخشش مادی و معنوی مانند آموزش علم و هنر و فن و حرفه، در قالب زکات علم ، یا زکات مال و صدقات و قرض‌الحسنه و مانند آنها، مهم‌ترین عامل رشد و شکوفایی اقتصادی است؛ زیرا در نظام اقتصادی اسلام هر مالی که در اختیار بشر است، مال الله است.

برکات و امدادهای غیبی را به دنبال دارد.(همان)

۳- **تقوای الهی:** تقوای الهی بر اساس آیه ۹۳ سوره مانده دارای مراتب سه‌گانه‌ای است که آمیخته با مراتب سه‌گانه ایمان است. بنابراین، ایمان قلبیی در جوارح و رفتار اجتماعی زور و ظهور می‌کند و به طور طبیعی، زمینه‌ساز بلکه مهم‌ترین بسترساز، رشد و شکوفایی اقتصادی است؛ چنانکه آیه ۹۶ سوره مانده در ادامه به این توجه داده است:

۴- **شریعت‌محوری:** از نظر قرآن، عبادت جز در چارچوب اسلام نمی‌تواند انسان را به کمال برساند(ال عمران، آیات ۱۹ و ۸۵) بنابراین، شرایط دیگر نیز به عنوان شرایع اسلامی(شوری، آیه ۱۳) همان ضوابط مستقیم الهی را بیان می‌کنند. هر کسی اگر بخواهد در مسیر درست سعادت دنیا و آخرت گام بردارد، باید ایمان و تقوای خویش را در این چارچوب به دست آورد.(بقره، آیات ۲ تا ۵ و ۲۱) بنابراین، ایمان و تقوا جز در چارچوب اسلام و شریعت الهی ان به دست نمی‌آید. بر همین اساس، هر کسی بخواهد کاری انجام دهد باید بر اساس شریعت باشد. از همین رو خدا شریعت محوری و پایبندی و تعالیب و آموزه‌های الهی را عامل رشد و شکوفایی معنوی است. اگر در گذشته عمل به شرایع انجیل و تورات و شریعت محوری در آن چارچوب، موجب شکوفایی و رشد اقتصادی بود(مانده، آیه ۶۶). امروز عمل به شریعت اسلام و آموزه‌های قرآن این رشد و شکوفایی را ایجاد و تضمین می‌کند.(مانده، آیه ۹۶)

۵- **استقامت در دین:** رشد کامل اقتصادی زمانی در خانواده یا اجتماع تحقق می‌یابد که شریعت محوری و ایمان و تقوا به سطح عالی برسد و افراد اجتماع در این سطح به چنان استواری و استقامت دست یابند که چیزی آنان از این حرکت اصیل و مولد دور نسازد و به تردید و شک نیفتند. از

همین رو خدا به‌صراحت می‌فرماید ملازمت با دین حق، از اسباب دستیابی به رشد کامل اقتصادی است(جن، آیه ۱۶)؛ زیرا مقصود از «الطریقه» در آیه همان اسلام و ایمان و مراد از «ماء غدقاً» مثال برای توسعه در رزق و روزی است که همان رشد اقتصادی مورد نظر خواهد بود. (مجمع‌البیان؛ المیزان، ذیل آیه) قرآن درباره نقش استقامت در تحقق شکوفایی و رشد اقتصادی می‌فرماید: در حقیقت کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست! سپس ایستادگی کردند، درشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: هان بيم ما رايد و غميين ما ميشيد و به بهشتي که وعده يافته بوديد شاد ميشيد. (صافات، آیه ۳۰) پس امنیت و آرامش در سایه استقامت به دست می‌آید و این امنیت رشد و شکوفایی اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

۶- **اتفاق:** از نظر قرآن، هر گونه بذل و بخشش مادی و معنوی مانند آموزش علم و هنر و فن و حرفه، در قالب زکات علم، یا زکات مال و صدقات و قرض‌الحسنه و مانند آنها، مهم‌ترین عامل رشد و شکوفایی اقتصادی است؛ زیرا در نظام اقتصادی اسلام، هر مالی که در اختیار بشر است، مال الله است.(نور، آیه ۳۳) و بر انسان‌ها است تا این مال امانی و ودیعت نهاده در دست مردم را به گونه‌ای به کار گیرند که خدا برای تحقق افزایش خواسته است. از سوی دیگر خدا، به‌صراحت بیان کرده که این اموال ملک طلق و رهای هر کسی نیست، بلکه گروه‌ها و اقبشار خاص و نیازمندان اجتماعی نیز مالک آن هستند و باید حق و حقوق آنان از هر مالی ادا شود.(ذاریات، آیه ۱۰۹؛ معراج، آیات ۲۵ و ۲۶) از نظر قرآن، رشد و شکوفایی اقتصادی در هر جامعه با پرداخت حقوق واجب و مستحب مالی امکان‌پذیر است. از همین رو صدقات را مایه افزایش و رشد اقتصادی دانسته می‌فرماید: **و تیري الصدقات؛** صدقاهای خود را افزایش می‌دهد.(بقره، آیه ۲۷۶) از آیات قرآن این مطلب به‌صوض به دست می‌آید که هر چه در صورت معمول، انقافات نه تنها موجب کاهش سرمایه اقتصادی نیست، بلکه موجب رشد و شکوفایی اقتصادی خانواده و اجتماع است.(همان؛ روم، آیه ۳۴؛ سباء، آیه ۳۹؛ طلاق، آیه ۷)

۷- **توجه:** از نظر قرآن گناه، دانسته و نادانسته یا خواسته و ناخواسته تاثیر منفی بر زندگی انسان می‌گذارد؛ بویژه آنکه برخی از اعمال دارای آثار و پیامدهای طبیعی و وضعی است که نمی‌توان آن را از خود دور ساخت. به عنوان نمونه جهاد علیه کفار و کشتن آنان به طور طبیعی کینه آنان را در بنادل خواهد داشت. از همین رو، لازم است که انسان به پناهگاه امن الهی پناه برد و خود را تحت سپر حمایت خدا قرار دهد.(فتح، آیات ۱ و ۲) بر این اساس، باید گفت که برای آنکه از تبعات و پیامدهای اعمال و رفتار خود در امان مانیم، باید استغفار کنیم. این استغفار موجب می‌شود تا مفتضی اعمال عمل جنبی و پنهان‌برداری از معلم فراهم آمده و موانع طبیعی یا احتمالی باقوه برداشته شود. (همان) بر همین اساس باید گفت که یکی از عوامل رشد و شکوفایی اقتصادی، استغفار در درگاه خدا و توبه به سوی او است تا انسان در مسیر درست قرار گیرد و از انحراف و کزی و نیز تبعات و پیامدهای اعمال در امان ماند(هود، آیات ۳ و ۵۲؛ نوح، آیات ۱۰ و ۱۱)
۸- **کار و تلاش:** کار و کارگری از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت اقتصادی است؛ زیرا انسان در دنیا و حتی آخرت بهره‌مند از تلاش و کوشش خویش است، و برای انسان چیزی جز آنچه سعی می‌کند نیست: **وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.** (نجم، آیه ۳۹) از نظر قرآن، کار و تلاش بر روی زمین، عامل تأمین روزی و زندگی انسان است؛ به طور طبیعی کار بیشتر به معنای بهره‌مندی از فضل الهی است که فراتر از رزق معمولی که تقسیم شده است خواهد بود.(ملک، آیه ۱۵؛ اسراء، آیات ۱۲ و ۱۶؛ قصص، آیه ۷۳)

۹- **زمین پاک:** از نظر قرآن، از جمله عوامل رشد اقتصادی، بهره‌مندی از زمین پاک و طیب است؛ زیرا زمین اگر خبیث (بایر و غیر حاصلخیز) باشد نمی‌تواند برکاتی داشته و موجب رشد و شکوفایی اقتصادی شود. (ملک، آیه ۱۵)

۱۰- **آب:** همان اندازه که زمین خوب و پاک برای رشد اقتصادی نیاز است، نیز آب در افزایش تولید و رشد اقتصادی نیز نقش دارد. از همین رو آب بویژه آب باران که قابل شرب و استفاده در کشاورزی و صنایع است و یک عامل مادی مهم در رشد اقتصادی است.(هود، آیه ۵۲؛ نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲؛ جن، آیه ۱۶)

۱۱- **متخصصان متعهد:** از دیگر عوامل مهم در رشد و شکوفایی، انسان‌های مومن و متعهد و با تقوایی است (مانده، آیه ۹۶) که از تخصص به

## مهم‌ترین عامل در تحقق رشد اقتصادی و شکوفایی آن، وجود امنیت در اجتماع است؛ زیرا فقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرار سرسرمایه‌ها بویژه منابع مدیر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو قرآن، امنیت و آرامش اجتماعی – سیاسی را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد اقتصادی دانسته است.

واجب و مستحب و نیز موانع محرم و مکروه را شناخت و بر اساس آن عمل کرد و برنامه‌ریزی درست ارائه داد و به کار گرفت. این عوامل و موانع از نظر قرآن عبارتند از:

۱- اهمیت: مهم‌ترین عامل در تحقق رشد اقتصادی و شکوفایی آن، وجود امنیت در اجتماع است؛ زیرا فقدان امنیت و وجود ناامنی به معنای فرود سرمایه‌ها و بزه‌های منابع مدیصر و متخصص آن خواهد بود. از همین رو، قرآن، امنیت و آرامش اجتماع – سیاسی را از مهم‌ترین عوامل رسیدن به رشد اقتصادی دانسته است.(بقره، آیه ۱۲۶؛ نحل، آیه ۱۱۲) خدا در آیات دیگر نیز به این نکته توجه می‌دهد که وجود امنیت فراگیر در همه حوزه‌ها، نعمت الهی است که خدا آن را منت می‌داند. چنانکه بر قریش امتنان گذاشته که با نابودی اصحاب قیل و ایجاد امنیت اقتصادی برای سفرهای بازرگانی آنان، زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی آن اجتماع را فراهم کرد.(قیل، آیات ۱ تا ۵؛ اعراف، آیات ۱ تا ۴)

۲- آرایش: از نظر قرآن، ایمان به غیب از جمله خدا و قیامت و اسباب غیبی یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی است؛ زیرا اجتماعی از رشد واقعی اقتصادی بهره‌مند خواهد شد و همگان در یک سطح رفاهی ارمانی قرار می‌گیرند که عنصر ایمان در آن جامعه تقویت شده باشد. بی‌گمان مردم اجتماعی که در مراتب سه‌گانه ایمان به درجه ایمانی خود توجید فعل رسیده باشند، در رفتار، اهل تقوای اکرامی خواهند بود و با ایثارگری در همه ابعاد تلاش می‌کنند تا بهترین و شایسته‌ترین شرایط آسایش اقتصادی برای همگان فراهم آید. این گونه است که آنان از حقوق طبیعی خود می‌کاهدند و با ایثارگری، بیشتر وقت خویش را برای تولید و افزایش آن به کار می‌گیرند تا مردمان پیشترزی را تحت پوشش آسایش و رفاه قرار دهند. بنابراین، ایثارگری تنها محدود به دادن طعام و خوراک نیست، بلکه در ایجاد فعالیت‌های تولیدی اقتصادی و افزایش آن است. اینکه شخص از خواب و خوراک خود بزند و حقوق مسلم خویش را ایثار کند تا مردم در رفاه باشند، بیانگر ایمان و تقوای در مرتبه اکرامی و حق الیقینی است.(مانده، آیه ۹۳) تا حدی پس از بیان مراتب سه‌گانه ایمان و تقوا در این آیه، در آیه ۹۶ به این نکته توجه می‌دهد که چگونه ایمان می‌تواند موجب برکت الهی به اجتماع شود و شرایط رشد و شکوفایی اقتصادی آنان را فراهم آورد. در حقیقت این ایمان است که رفتار و کردار انسان‌ها و افراد اجتماع را به شکل مطلوبی تغییر می‌دهد و آنان را به سمت و سوی رشد و شکوفایی اقتصادی هدایت می‌کند؛ چنانکه رفتار و کردار و همین اهل ایمان در قالب رفتارهای عملی نیک و عبادی و دعا و نیایش و مانند آنها، نزول

۱۳- **پذیرش تفاوت‌ها:** از نظر قرآن، همه انسان‌ها در یک سطح ادراکی و توانایی بدنی و علمی و مانند آن نیستند و تفاوت‌هایی میان افراد جامعه وجود دارد. پذیرش این فرق‌ها و تفاوت‌ها موجب می‌شود تا توزیع نوبت و نیز مسئولیت‌ها بر اساس این انجام شود و در هر کسی در جای شایسته و بایسته خود قرار گیرد.(نساء، آیه ۲۴؛ زخرف، آیه ۲۲) البته پذیرش تفاوت‌ها به معنای نادیده گرفتن حضور اقتصادی مثلا زنان در عرصه اقتصادی نیست؛ زیرا از نظر قرآن حضور آنان به معنای بخشی از اجتماع و استقلال اقتصادی این افراد است. ضروری است هر چندکه از چگونگی فعالیت‌های اقتصادی آنان بدون مقرراتی بیان شده است که نه تنها آسیب را نیست بلکه به روند اقتصاد و شکوفایی رو و به رشد کمک می‌کند.(نساء، آیه ۳۲؛ احزاب، آیات ۳۳ و ۳۵)

۱۴- **مدیریت و نظارت دولتی:** نظارت حکومت بر امور اقتصادی تولید، توزیع و مانند آنها بویژه در وضعیت بحرانی امری لازم است.(یوسف، آیات ۴۷ تا ۵۵) این نظارت می‌تواند در همه دوره‌ها انجام شود تا اقتصاد به گونه‌ای در مسیر بالندگی و رشد قرار گیرد که همگان از آن بهره‌مند شوند؛ بنابراین اختصاص به دوره‌ای خاص و بحرانی ندارد؛ از همین رو خدا مسئولیت انفال و ثروت عمومی را در اختیار نظام سیاسی ولایی قرار داده و حضور در بخش‌های مهم اقتصادی در قالب کسب مالیات و زکات و خمس و مانند آنها را وظیفه نظام ولایی دانسته است.(حشر، آیات ۹ تا ۱۹؛ انفال، آیات ۱ و ۲۴) و این نظارت دولتی موجب می‌شود تا در توزیع ثروت و منابع طبیعی اجتماع، تولید کالا و خدمات مناسب و مورد نیاز آن، (یوسف، آیات ۴۷ تا ۵۵، حشر، آیه ۷) و نیز مبادلات اقتصادی(اعراف، آیه ۸۵)، احکام قضایی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی(نساء، آیه ۶۰) و نیز جلوگیری از اسراف و تبذیر و مانند آنها نقش مستقیم ایفا کند تا زمینه برای رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم شود و اموال را همرا اختیار سفیهان و بی‌خردان قرار نگردد.(نساء، آیه ۵) این مدیریت و نظارت در همه عرصه‌ها از تصمیم‌گیری در سطوح کلان اقتصادی تا سیاست گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا را در تولید و توزیع و مصرف در بر می‌گیرد. (یوسف، آیات ۴۷ تا ۵۵)

۱۵- **اصلاح اقتصادی:** از آنجا که اقتصاد مانند هر امر اجتماعی گرفتار تغییرات نامطلوب است، نیازمند اصلاحات دائمی می‌باشد.(هود، آیات ۸۴ و ۸۵)

اینها از مهم‌ترین عوامل رشد و شکوفایی اقتصادی است. در مقابل بی‌تقوایی، بی‌تعهدی، اقتصاد ربوی، توزیع نابرابر ثروت، و مانند آنها از مهم‌ترین موانع رشد و شکوفایی حقیقی اقتصادی است که باید از آنها پرهیز کرد.

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۹۷
۹ شعبان ۱۴۳۹ – شماره ۹

## چ